تبیین اصول تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنت

محمد خضری اقدم*

دکتر سید مهدی سجادی**

دکتر عباس منوچهری***

دکتر علیرضا صادق زاده قمصری****

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین اصول تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنت تدوین شده است. برای دستیابی به این هدف، از روشهای تحلیل منطقی فراروناده، تحلیل مفهومی و استنتاج عملی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بنیادهای فلسفه آرنت بر تلفیقی هوشمندانه از نحله‌های نئوارسطویی و اگزیستانسیالیسم جهت فهم و نقد پدیدارهای زندگی استوار است. شهروندی آرنتی نیز بر انگاره‌هایی نظری چون وجود بستر عمومی، هویت جمعی و عاملیت انسانی ابتنا داشته که ضمن وجود ارتباط متقابل میان عناصر شهروندی، اخلاق شهروندی هم اهمیت خاصی یافته است به‌گونه‌ای که این عنصر در کنار عناصری چون حق و وظیفه، نقش قابل‌توجهی را در قوام و دوام این رویکرد از شهروندی ایفا می‌نماید. افزون بر این، بر اساس مبانی شهروندی آرنتی به‌مثابه ویژگیهای مقوم این‌گونه از شهروندی، اصولی چون خودانگیختگی، انکشاف، بسط اندیشه، ناهمسانی، تصدیق و دگرپذیری، تمرکززدایی، تعامل پایدار و فرآیند- مداری برای تربیت شهروندی آرنتی استنتاج شده است. استنتاج این اصول نشانگر وجود ارتباطی تنگاتنگ میان تربیت شهروندی و مبانی آن با فلسفه هانا آرنت است؛ فلسفه‌ای که آرنت از طریق آن در پی صورت‌بندی و احیا مفهومی اصیل از شهروندی بوده است که همچون رویکردی متفاوت و با اهمیت در میان گفتارهای شهروندی خود را بازمی‌نمایاند. اهمیت چنین دیدگاهی درباره شهروندی، انجام پژوهشهای دیگری را برای بررسیهای مقایسه‌ای میان این رویکرد با دیگر رویکردهای تربیت شهروندی و نیز پژوهشهایی را به‌منظور به‌کارگیری این اصول در عرصه‌هایی چون برنامه درسی، مدیریت آموزشی و تدریس تربیت شهروندی مبتنی بر اندیشه آرنت ایجاب می‌نماید.

کلیدواژگان: هانا آرنت، شهروندی، حقوق شهروندی، اخلاق شهروندی، تربیت شهروندی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۱۸

* دانشجوی دکتری فلسفه تربیت، دانشگاه تربیت مدرس mkhezriaghdam@yahoo.com

** دانشیارگروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس sajadism@modares.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس amanoocheri@yahoo.com

**** استادیارگروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس alireza_sadegzadeh@yahoo.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

مقدمه

تعلیم و تربیت به‌مثابه یکی از شروط لازم برای رسیدن انسان به مرحله کمال، دارای ابعاد مختلفی است که هر یک از آنها ناظر به رشد بخشی از استعدادهای اوست (شکوهی،۱۳۸۱) به‌نحوی‌که دستیابی انسان به غایاتی مانند نیل به کمال، مستلزم رشد همه‌جانبه استعدادهای او در بستر نگرشی کل‌نگرانه[1] به تعلیم و تربیت اوست (فلاک[2]،۲۰۰۰). در این میان تربیت شهروندی همچون یکی از ابعاد تربیت که معطوف به رشد استعدادهای انسان در بعد اجتماعی بوده، از قدیم‌الایام تا به امروز مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان واقع‌شده است؛ اهمیت این ساحت به نحوی است که هرگونه غفلت از آن در امر تعلیم و تربیت ضمن اینکه نیل به غایات تربیتی را با مشکل مواجه می‌کند، زیانهای جبران‌ناپذیری را نیز بر گستره جامعه وارد می‌نماید؛ زیرا رشد و توسعه جامعه مستلزم وجود شهروندان پرورش‌یافته است (پِپر[3] و دیگران،۲۰۰۳). رویکردهای شهروندی نیز ضمن اینکه دال بر وجود فلسفه‌ها و ایستارهای گوناگون بوده که مفهوم شهروندی را توصیف، تبیین، توجیه و تجویز نموده، دلالتهایی را نیز در امر تربیت شهروندی به همراه داشته است. ازآنجاکه مبانی فلسفی در کنار مبانی علمی یکی از عوامل مهم در مفهوم بندی عناصر تعلیم و تربیت بوده و هرگونه تغییری در این مبانی سبب تغییر در نظریات و چشم اندازهای تربیتی و در نتیجه تربیت شهروندی می‌شود (گارسیا[4]،۲۰۱۱) و نیز از آن رو که یکی از الزامات اساسی در موفقیت تربیت شهروندی، وجود شفافیت لازم درباره مفهوم شهروندی و رویکردهای مربوط به آن و داشتن درک صحیحی از مبانی فلسفی هرکدام از این رویکردهاست (دیویس،۱۳۹۱)؛ لازم است متصدیان تربیت شهروندی در هر دو سطح خرد و کلان درکی درست از رویکردها و مبانی گوناگون شهروندی داشته باشند. در این زمینه، یکی از این رویکردهای مهم در زمینهٔ شهروندی، نظریه هانا آرنت فیلسوف سیاسی معاصر است که به‌زعم بسیاری از اندیشمندان این حوزه دارای اهمیت بسیار است؛ زیرا از یک‌سو، نظریات ایشان مبتنی بر نوعی پدیدارشناسی از عناصر بستر عمومی در عصر مدرن، نقد و آسیب‌شناسی آنهاست و از دیگر سو، آرنت نخستین فیلسوفی است که در قرن بیستم به احیا و بازاندیشی درباره مفهوم اصیل شهروندی و بیان آن همچون بستر اصلی امر سیاسی می‌پردازد (بن‌حبیب[5]،۲۰۰۳) به طوری که ارائه چنین مفهومی از شهروندی در عصر

1 Holistic
2. Flak
3. Pepper
4. Garcia
5 .Benhabib

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

مدرن ضمن اینکه تبیینی از مصائب شهروندی مدرن است دلالتهایی را نیز درزمینهٔ بازاندیشی حوزه‌های زندگی ازجمله حوزه عمومی و شهروندی در پی خواهد داشت (صدریا،۱۳۹۱). لازم به ذکر است که در این زمینه پژوهشهایی نیز صورت گرفته است که می‌توان به پژوهش توپولسکی و لوون[1] (۲۰۰۸) اشاره داشت که در آن پژوهش ضمن بررسی ویژگیهای شهروندی در اندیشه سیاسی آرنت به بررسی رابطه تربیت و سیاست در اندیشه آرنت پرداخته، سپس تربیت از دیدگاه هانا آرنت را همچون تمهیدی برای عرصه سیاسی و شهروندی مورد بحث و واکاوی بیشتر قرار داده و در آخر بر نقش مهم مدرسه در بهبود شرایط شهروندی تأکید می‌ورزند. علاوه بر این، مگرینی[2] (۲۰۱۲) نیز به اهمیت نظرات هانا آرنت در امر تربیت تأکید دارد و بر این باور است که مدارس به‌مثابه پیش‌زمینه‌ای برای ورود به عرصه شهروندی مؤلفه‌هایی چون تکثر، آزادی، ابراز وجود و تفکر را در تجربیات تربیتی خود لحاظ دارند. بررسی این پژوهشها حاکی از عدم وجود تحقیقاتی درزمینهٔ استنتاج دلالتهای تربیت شهروندی مبتنی بر نظریات هانا آرنت است به طوری‌که پژوهشهایی که در این زمینه انجام‌شده بیشتر به شرح و بسط رابطه تربیت و شهروندی و نیز نقش تربیت در امور شهروندی و سیاست پرداخته‌اند. درحالی‌که وجه تمایز پژوهش حاضر با دیگر پژوهشهای انجام‌شده این است که در آن تربیت شهروندی براساس مفهوم شهروندی در فلسفه هانا آرنت بررسی و سپس اصول تربیت شهروندی از آن استنتاج شده است. همچنین در این پژوهش، فقط به توصیف تربیت شهروندی آرنتی بسنده نشده، بلکه اندیشه‌های فلسفی و نیز مبانی شهروندی که اصول تربیت شهروندی از آنها استنتاج می‌شود نیز مورد واکاوی قرارگرفته است تا علاوه بر فهم دلالتهای تربیتی، بنیادهای فلسفی این نوع از تربیت شهروندی بهتر درک شوند.

بر اساس این هدف، در پژوهش حاضر دو پرسش مطرح می‌شود: ۱. انگاره‌ها و عناصر شهروندی در اندیشه هانا آرنت چه هستند؟ ۲. اصول تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفهٔ هانا آرنت کدام اند؟ برای پاسخگویی به این سؤالات روشهای گوناگون به کار رفته است به طوری که برای پاسخگویی به سؤال اول، در بخش نخست آن، از روش تحلیلی فرارونده استفاده می‌شود. یعنی مقومات شهروندی در اندیشه هانا آرنت به‌صورت انگاره‌های نظری هانا آرنت درزمینهٔ شهروندی مورد تحلیل واقع‌شده است (باقری و همکاران،۱۳۸۹) و در بخش دوم این سؤال، از روش تحلیل و تفسیر مفهومی جهت فهم عناصر شهروندی بهره گرفته شده است تا ضمن بررسی هر کدام از عناصر، روابط میان آنها نیز مشخص شود (باقری، ۱۳۸۷). برای پاسخگویی به سؤال دوم، با

1. Topolski & Leuven
2. Magrini

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

بهره‌گیری از روش استنتاج عملی، اصول تربیت شهروندی از مؤلفه‌های شهروندی آرنتی استخراج می‌شوند (باقری و همکاران،۱۳۸۹).

بنیادهای فلسفی نظریات هانا آرنت

با توجه به تفاوت عمل فلسفه‌ورزی[1] و تاریخ فلسفه اگر فلسفه سیاسی را فلسفه ورزی درباره سیاست بدانیم و آن را عبارت از پژوهش دربارهٔ موضوعات زندگی عمومی و پیشبرد کیفیت آن و همچنین حوزه سیاسی را یکسان با مصالح عمومی بدانیم (بشیریه،۱۳۸۶) می‌توان علی‌رغم بی‌میلی آرنت به اینکه فیلسوف سیاسی خوانده شود، از فلسفه سیاسی آرنتی سخن گفت؛ زیرا ایشان در همهٔ آثار خود به فلسفه ورزی درباره زندگی عمومی بشر پرداخته و نیز مصالح عمومی را با حوزه سیاسی منطبق دانسته است (مک‌گاون[2]،۱۹۹۸). ازآنجاکه در هر نوع از فلسفه‌های سیاسی برداشتی خاص از طبع انسان خواه به‌صورت آشکار و خواه به‌صورت ضمنی مندرج است و این برداشت نقشی تعیین‌کننده در ساختمان کلی دستگاه فیلسوف داشته لازم است برای فهم بیشتر نظرات هانا آرنت، بنیاد فکری او را که به‌زعم بسیاری از اندیشمندان آمیخته‌ای از نئوارسطویسم و اگزیستانسیالیسم بوده (هال[3]،۲۰۰۲) شرح دهیم. در این زمینه آرنت دغدغه‌های وجودی بشر یعنی زندگی و مرگ را سرلوحهٔ کار خویش قرار داده است؛ بدین معنا که زندگی و مرگ از نظر او قوی‌ترین شرایطی است که بشر در میان این دو حضور داشته و همواره در پیوستاری از کشاکش زایایی[4] و مرگ بوده و دائماً در پی انقطاع روند مکانیکی زایایی به‌سوی مرگ است (پدرام،۱۳۸۸). انسان در این میان، همچون موجودی میرا ناگزیر از پیمودن این مسیر بوده و چنین قدر حتمی او را با مشکل میرایی[5] و دغدغه نامیرا[6] ساختن خود در جهان نامیرا مواجه ساخته است. در این نگرش، انسان بدین منظور فعالیتهای متفاوتی را در حوزه‌های گوناگون زندگی انجام داده به صورتی که هرکدام از این فعالیتها به‌گونه‌ای منجر به تأخیر در سیر حتمی به‌سوی مرگ می‌شوند (آرنت،۱۹۹۸). آرنت در این زمینه متأثر از ارسطو به تقسیم دوگانه فعالیتهای بشری به دو حوزه عملی و نظری (ارسطو[7]،۱۳۹۰) و وقف زندگی بشر به این دو حوزه می‌پردازد به‌نحوی‌که هرکدام از فعالیتهای انسان در حوزه‌های مختلف زندگی ناظر به وضع بشری او و تحقق یکی از استلزامات وضع بشری

1. Philosophizing
2. McGowan
3.Hull
4.Natality
5.Mortality
6.Immortality
7.Aristotle

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

او هستند (جانسون[1]،۱۳۹۳). از این دیدگاه، انسان زندگی وقف فعالیت[2] خود را در سه حوزه خصوصی[3]، اجتماعی[4] و عمومی[5] از طریق فعالیتهایی چون زحمت، کار و عمل به انجام رسانیده است به طوری که هرکدام از این فعالیتها در جهت تحقق آمال وضع بشری زاییدگی و نامیرایی عمل می‌کنند؛ به عبارت بهتر، این فعالیتها در هرکدام از حوزه‌های زندگی ویژگی متمایزی از دیگری داشته، بدین‌صورت که حوزه خصوصی که ناظر به فعالیت زحمت[6] است حوزه مشترک انسان با حیوان است؛ یعنی انسان همچون حیوانی زحمت‌کش در پی بقا و تأمین نیازهای زندگی است. وابستگی این حوزه به ضرورتهای زندگی و ویژگی ضد سیاسی بودن آن به علت فقدان نمود زحمت در میان دیگر همگنان، انسانها را محروم از به نمود درآمده شدن در میان سایر همنوعان خویش کرده و آنها را در تسلسلی بدون هدف از زحمت و مصرف محبوس می‌نماید (بشیریه،۱۳۸۸). علاوه بر حوزه خصوصی، امر اجتماعی و فعالیت معطوف به آن یعنی کار[7] نیز به نحوی در پی نامیرا جلوه دادن انسان می‌باشد. انسان سازنده به شیء گردانی، تغییر در طبیعت و ساختن اشیاء پرداخته است و با تولید اشیاء و ابزار مخلوقات خویش را عرضه کرده است تا از این طریق اثری از نامیرایی خویش را به ثبت برساند. این حوزه نیز مانند حوزه خصوصی خارج از حوزه سیاسی قرارگرفته است به صورتی که انسان در انزوا به انجام امورات خویش پرداخته و از رابطه بین الاذهانی که فصل فعالیتهای سیاسی از دیگر فعالیتهای بشری است، محروم می‌باشد. در نگاه آرنت سومین فعالیت بشری یعنی عمل[8]، انسانی‌ترین فعالیت در میان دیگر فعالیتهاست؛ یعنی بیشتر از دیگر فعالیتهایش معطوف به وضع زایایی بشر و نامیرا جلوه دادن اوست به صورتی که انسان در بستر عمومی به نامیرا جلوه دادن خود می‌پردازد. در این نگرش، زایایی بشر نیز بدین معناست که انسان همچون موجودی بی‌نظیر و بی‌مانند متولدشده و ورودش به جهان آغازی جدید بوده و این انسان آغازگر[9]، بی‌مانندی خویش را به‌صورت تکثر بشری بازنمایی کرده و با انکشاف خویش بی‌مانندی و منحصر به فردیت ناظر به تکثر بشری معطوف به زایایی خویش را تجلی می-بخشد (آرنت،۱۹۹۸). این امر تنها در بستر عمومی و ساحت سیاسی میسر است به نحوی که

1.Johnson
2.Vita activa
3.Private
4.Social
5.Public
6.Labor
7.Work
8.Action
9.Beginner

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

انسانها در این حوزه از طریق روابط میان- فردی به انکشاف[1] خویش در مقابل دیگران پرداخته و در شرایط آزاد و برابر و همچنین فارغ از ضروریات و فواید حوزه‌های ضد سیاسی و پیشاسیاسی به‌صورت افرادی درآمده اند که انگیزه حاکم بر آنها دغدغه‌های بشری و انجام عمل است (تچیر[2]،۲۰۱۱). عمل در این مفهوم به‌عنوان عالی‌ترین فعالیت بشری در حوزه عمومی و به‌صورت رابطهٔ بین‌الذهانی انجام می‌گردد. بدین‌صورت که در شرایط برابر انسانها با عمل ورزی - بیان گفتار و انجام کنش در فضای نمود و مشترک سیاسی -کیستی[3] برگرفته از کثرت بشری خود را عرضه می‌دارند (لسنوف[4]،۱۹۹۹). در این میان تنها عمل است که فضای عمومی در معنای اصیلش را بنیاد نهاده و در پیوند با چنین بستری است که شهروندان خویشتن را با عالی‌ترین وضع بشری یعنی زایایی پیوند داده و وجودشان را به‌صورت آغازی بی‌مانند در جهان جلوه می‌دارند.

بررسی شهروندی در نظر هانا آرنت

برای فهم شهروندی در رویکرد آرنتی لازم است ابتدا انگاره‌های نظری او درباره شهروندی تحلیل و سپس بر پایه آنها عناصر شهروندی مفهوم‌پردازی شده تا بدین‌وسیله زمینه برای استنباط مبانی شهروندی آرنتی به‌صورت ویژگیهای آن فراهم گردد.

۱. انگاره‌های نظری هانا آرنت درباره شهروندی: درک هانا آرنت از مقوله شهروندی مبتنی بر شروط و انگاره‌های نظری است که در پی‌ریزی ساختمان فکری او نقشی اساسی دارند. به این ترتیب، شهروندی مورد نظر هانا آرنت از یک‌سو برگرفته از این انگاره‌ها بوده و از دیگر سو، برساختی فکری بوده که بر بنیان مقولات زیربنا شده است:

۱-۱. بستر عمومی[5]: این مفهوم برساختی از دو عنصر ناهمسان اما مرتبط با همدیگر یعنی مفاهیمی چون فضای نمود[6] و جهان مشترک[7] است به صورتی که می‌توان گفت بستر عمومی از همپوش واقع‌شدن این دو به وجود می‌آید که در زیر به هرکدام اشاره می‌شود:

- **فضای نمود:** ازنظر آرنت فضای نمود گسترده‌ترین عمومیت و شیوع ممکن را در بردارد و در چنین ساحتی است که واقعیت بر نمود منطبق شده، بدین‌صورت که بود و واقعیت هر چیز مبتنی بر نمودار گشتن آن در فضای نمود است (سویفت[8]،۲۰۰۹). دراین‌باره

1.Disclosing
2.Tchir
3.Identity
4.Lessnoff
5.Public sphere
6.Space of appearance
7.Common world
8. Swift

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

آرنت بر اساس ویژگی واقعیت بخشی نمود، اموری از زندگی بشر را که قابلیت نمود نداشته است دارای وجودی سایه‌وار و غیرواقعی می‌داند. به طوری که در برابر چنین فضایی آرنت به حوزه‌های شخصی افسون‌شده، غیرواقعی و فاقد معنای عصر مدرن اشاره دارد و چنین افسون‌شدگی به‌جای اینکه بازنماگر واقعیت بودنها باشد، به دور شدن بسترهای شخصی از واقعیت و معنا می‌انجامد (آرنت،۱۹۹۸). در این زمینه می‌توان گفت آرنت همچون هایدگر انسان یا زیستنده[1] را موجودی مستقل و منقطع از محیط زیستش ندیده است، بلکه خصلت بنیادین او را در دنیا-با دیگران-در کنار-دیگر چیزها-بودن می‌بیند (منوچهری،۱۳۸۳).

- **جهان مشترک**: جهان همچون گوهر وضع بشر، قابلیت و قدرت گردآوری انسانها را داشته و زمینه‌ای را برای تعامل و تبادل اطلاعات و ارتباطات بشری فراهم آورده است، به این ترتیب که واجد صفت مشترک می‌شوند. انسانها با گردآمدن در چنین جهانی علاقه و عشق خود را به جهان ابراز می‌دارند؛ زیرا بدون داشتن چنین علاقه‌ای نمی‌توان مردمان را در کنار همدیگر نگه‌داشت تا اینکه بتوانند در ارتباط با یکدیگر و در جهانی که برای هر یک از این افراد مهم و دوست‌داشتنی است به انکشاف خود از طریق عمل بپردازند؛ لذا نبود چنین جهان مشترکی به معنای فقدان ارتباط بین الاذهانی و انجام عمل در حوزه عمومی است (یاناور[2]،۲۰۱۱). ازنظر آرنت تنها رویکرد جانشین برای مرتبط ساختن انسانهای فاقد علاقه به جهان این است که آنها واجد نوعی بی جهانی[3] شوند به طوری که در این نگرش، تحقیر و کم‌اهمیت شمردن جهان عینی صفت بارز آن را تشکیل داده که در آن انسانها علاقه خود را نسبت به جهان از دست می‌دهند و انگیزه‌ای برای عمل در چنین جهانی ندارند (آرنت،۱۹۹۸). او در این زمینه به جهان بارگی[4] یونان باستان در برابر بی‌جهانی مسیحیت همچون دو نمونه متفاوت اشاره می‌کند.

۱-۲. هویت جمعی[5]: یکی از الزامات مهم عمل ورزی شهروندان داشتن هویت جمعی برساخته شده در ساحت سیاست است. چنین برساختی منبعث از عمل شهروندان در حوزه عمومی و نتیجه توافقات، تبادلات و تسامحات بین الاذهانی سوژه‌های عمل ورز است. ازآن‌رو که سرشت

1 .Dasein
2.Janover
3.Worldlessness
4.Worldliness
5.Collective identity

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

عمل ورزی در ساحت سیاست پویا و متحرک است؛ بنابراین محصول برساخته‌شان یعنی هویت جمعی شهروندان نیز حامل این ویژگیهاست. ازآنجا که این هویت از یک‌سو، مقوم ارتباط و علاقه انسانها به سرنوشت مشترکشان بوده و از سوی دیگر نتیجه عمل ورزی انسانها در عرصه عمومی است بنابراین می‌توان از رابطه متقابل میان این دو سخن گفت و آنها را مقوم یکدیگر دانست. چنین هویتی متفاوت از هویت توده‌ای است که در آن انسانهای منزوی گشته از جامعه و تنها با خود، خویشتن را همرنگ و هم ذات جنبشها و جوامع توده‌وار[1] توتالیتر می‌یابند (آرنت،۲۰۰۰)؛ زیرا در هویت جمعی منتج از اذهان عمل ورز، انسانها آگاه و آزادند، درحالی‌که هویتهای توده‌ای حاصل جمع اذهان ناخودآگاه متأثر از تلقینات[2] و تبلیغات ایدئولوژیک هستند که در آن انسانها هویت توده‌ای را همچون هویت واقعی خویش بازنمایی می‌کنند (لوبون[3]،۱۳۹۱).

۱-۳. عاملیت[4]: درک آرنت از سیاست در بستر عمومی و وابستگی آن به وجود سوژه‌های خودانگیخته، عمل در ساحت سیاست را منوط به وجود بر سازندگان عمل ورز نموده است. بدین معنا سیاست ساحتی مبتنی بر عمل ورزی شهروندان است (محمدی مجد،۱۳۸۷)؛ ازاین‌رو سیاست امری پیشینی، فرا ساحتی و مونولوگی نیست، بلکه مصنوع و برساخته انسانهاست به‌نحوی‌که انسانی بودن امر سیاسی دال بر وجود بر سازندگانی است که خود راقم سرنوشت سیاسی‌شان هستند (دن تروه[5]،۱۹۹۴).

۲. عناصر شهروندی در رویکرد آرنتی: ازآنجاکه شهروندی اصطلاحی دارای معنای چندوجهی است به طوری که این معانی به نسبت شرایط و همچنین رویکردهای فلسفی و ایدئولوژیک مختلف، متغیر خواهند بود؛ اما با وجود چنین ویژگی اگر به تعاریف گوناگون شهروندی توجه کنیم، مجموعه‌ای از عناصر مشترک را در آنها خواهیم یافت که برای تحلیل ویژگیها و همچنین شناخت بهتر هرکدام از تعاریف شهروندی لازم‌اند (گارسیا،۲۰۱۱) به طوری که در زیر به شرح و توضیح ویژگیهای شهروندی آرنتی دربارهٔ هرکدام از این عناصر پرداخته می‌شود.

۲-۱. حقوق و وظایف در شهروندی آرنتی: در شهروندی مبتنی بر رویکرد آرنتی حقوق و وظایف شهروندی اموری پیشینی نیست، بلکه برساختی از عمل شهروندان بر سازنده ساحت سیاسی است (آرنت،۱۹۹۸). در این رویکرد به شهروندی، عمل شهروندان خود دربردارندهٔ

1.Mass society
2.Indoctrination
3.Le Bon
4.Agency
5.d'Entrèves

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

عناصری بوده است که معطوف به آن می‌توان حق و وظیفه را همچون دو امر قائم به یکدیگر بازنمایی نمود. اگر عمل را کنش و گفتار شهروند در بستر عمومی بدانیم می‌توان گفت که شهروندان در عرصه عمومی واجد کلی‌ترین حق یعنی عمل برای خود و همچنین موظف به تصدیق آن برای دیگران هستند. تجزیه عناصر موجود در هر عمل و حق برخورداری از آنها و به رسمیت شناختن آن برای دیگری پیوستاری از حق و وظیفه را ترسیم می‌کند که در پرتو آن می‌توان استنتاجات عینی‌تری استخراج نمود، به طوری که شهروند محق است تا کیستی خود را با گفتار منکشف سازد و با داشتن حق آزادی بیان افکار، عقاید، نظریات خود را با دیگران در بستر عمومی در میان گذارد و همچنین علاوه بر گفتار به انجام کنش در عرصه سیاست بپردازد. در برابر آن، وی موظف است که این حقوق را برای دیگری نیز به رسمیت بشناسد و اجازه دهد دیگری گفتار و کنش خود را در بستر عمومی عرضه بدارد. علاوه بر اینها چنین شهروندی حق برخورداری از آزادی و تصدیق[1] آن را برای دیگری دارد. حقوق دیگری که شهروند باید از آن برخوردار باشد و وظیفه دارد آن را برای دیگری به رسمیت بشناسد سهیم شدن در قدرت،[2] مشارکت و تصمیم‌گیری است؛ بدین معنا که شهروندی که فاقد قدرت است توانایی سهیم شدن در تصمیم‌گیریها و به تبع آن مشارکت در امور سیاسی را ندارد؛ زیرا وقتی‌که قدرت خاصیت توافقی خویش را از دست دهد و در دست اندکی قرارگیرد، دیگران از آن محروم و درنتیجه به خشونت تبدیل خواهد شد به گونه‌ای که در این شرایط شهروندان قادر به مشارکت در امور سیاسی جامعه خود نبوده و ناتوان از تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خویش خواهند بود (آرنت،۱۹۷۰).

۲-۲. اخلاق در شهروندی آرنتی: رویکرد غایت‌گرای اخلاقی که در آثار گوناگون هانا آرنت، به ویژه در تحلیل او از مفهوم شر[3] دیده می‌شود، حاکی از نوعی فضیلت مداری اخلاقی در نظریات ایشان است که در این رویکرد آرنت همچون ارسطو رسیدن به سعادت را درگرو فضیلت[4] می‌داند و عقل ورزی را شالوده فضایل به شمار می‌آورد که در آن تمام قوای عقلی در پی دستیابی به فضیلت از طریق فرونسیس[5] هستند (ارسطو،۱۳۸۹). ابتنای ارزشها در این منظر به صورتی است که که در آن شهروندان – سوژه‌های خودآگاه –اعمال خویش را بر عقل عملی و تفکر استوار کرده، به طوری که ، تفکر سیر به‌سوی معنا دارد و با تفهم معطوف به شناخت متفاوت است و چنین

1.Verifying
2.Power
3.Evil
4.Virtue
5.Phronesis

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

تفکری به نسبت افراد متفاوت است و لزوماً به نتیجه مشخصی نمی‌انجامد؛ بنابراین نمی‌توان انتظار صدور احکام مطلق را از آن داشت؛ ازاین‌رو تفکر و عمل اخلاقی به‌صورت مکانیسمهای اقتضایی در زمان و مکانهای مختلف درمی آیند که در آن انسان بر اساس چنین اقتضائاتی با استفاده از عقل عملی مبتنی بر تفکر به انجام عمل می‌پردازد (آرنت،۱۳۷۹). در ساحت شهروندی نیز شهروندان اعمال خود را بر عقل عملی مبتنی می‌سازند و قبل از انجام هر عمل به تفکر می‌پردازند. یعنی تفکر زمینه را برای گفت‌وگوی درونی فرد با خویشتن فراهم می‌کند و در این گفت‌وگوست که تفکر با معنابخشی مثبت و منفی به اعمال گوناگون خواست و اراده آدمی را برای انجام دادن عمل یا عدم انجام دادن آن شکل می‌دهد. لازمه چنین وضعیتی این است که شهروند ازنظر فکری فردی مستقل و آزاد باشد و بتواند خود از طریق تصمیم‌گیریهای مبتنی بر عقل عملی و تشخیص معنای امور گوناگون دست به فعالیت بزند (آرنت،۲۰۰۳). شهروند آرنتی که واجد چنین ویژگیهایی است شهروندی فضیلت‌مند است که با خودمختاری عقلانی خویش به تصمیم‌گیری درباره امور می‌پردازد. او مسئول در برابر دیگر شهروندان و همچنین متعهد به انجام عمل شهروندی خود است و در بستر عمومی در جهت خیر جمعی و برای رفع آسیبهای ناشی از ویژگیهای بازگشت‌ناپذیری و پیش‌بینی‌ناپذیری عمل دیگر شهروندان، به تفکر می‌پردازد و با بازشناسی معنای مثبت در اعمالی چون بخشودگی[1] و قول[2] دادن از آسیبهایی که متوجه حوزه سیاسی و نابودی آن است جلوگیری می‌کند (آرنت،۱۹۹۸). با توجه به این موارد، می‌توان گفت فضیلت مداری شهروندان یکی از ویژگیهای مهم است که بدون آن عرصه عمومی با خطر فروپاشی مواجه می‌شود. چنین فضلیتهایی در بستر عمومی نمود می‌یابند و متوجه خیر جمعی هستند، به طوری که لازمه برخورداری از چنین فضایلی وجود شرایط آزاد و برابری است که در آن شهروندان متفکر و معناجو بتوانند دست به انتخابهای معنادار و عقلانی معطوف به خیر جمعی بزنند.

اصول تربیت شهروندی آرنتی

از بحثهای پیش‌گفته در باب شهروندی آرنتی، ویژگیهایی چون آزادی[3]، نمود، عقلانیت[4]، تکثر[5]، فضیلت‌مندی، قدرت، گفت‌وگو و فرآیندگونگی قابل دریافت است به طوری‌که می‌توان گفت سازه شهروندی آرنتی برساختی از این مؤلفه‌هاست که ویژگیهای مهم و لازم را در این نوع

1.Being forgiven
2.Promise
3.Freedom
4.Rationality
5.Plurality

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

شهروندی بازنمایی می‌کنند. پژوهش حاضر، این مؤلفه‌ها را به‌عنوان مبانی تربیت شهروندی آرنتی در نظر می‌گیرد که با تکیهٔ بر آنها می‌توان اصول تربیت شهروندی را استنتاج کرد، آنچه درپی می‌آید بیانگر این اصول است:

۱. خود- انگیختگی: یکی از اصول مهم در تربیت شهروندی آرنتی خود- انگیختگی است. این مفهوم ازنظر هانا آرنت جلوه‌گر بارزترین صفت در رفتار بشر است که آن را از رفتارهای از پیش تعیین شده و واکنشی متمایز می‌سازد. خود- انگیختگی بدین معناست که کردار شهروند به‌صورت مکانیکی و خودکار نیست بلکه ابتنای آنها بر تدبری است که رفتار انسان اصیل را از انسانهای شرطی شده و فاقد اختیار متمایز می‌سازد. شهروند خود- انگیخته علاوه بر این، کردارهایش بر عاملیت و عقلانیت خویش استوار و صاحب خواست و اراده متعلق به خویش نیز هست. بر اساس این اصل، شهروند خود- انگیخته از شهروند خودکار متفاوت است و عامل تمایز او در بنا نهادن اعمالش بر تفکر و اراده شخصی خویش و نه نقشه‌های از پیش تعیین شده از سوی عواملی فراتر از خود شهروند است. آرنت در این زمینه یکی از اهداف اردوگاههای نازیسم را از بین بردن خود- انگیختگی دانسته است که با نابودی ویژگیهای ناظر به آزادی و حیات، انسان را به موجودی همچون سگ پالوف یا همچون شیء بی‌ارزشی تنزل می‌داده‌اند (آرنت،۲۰۰۰). متناظر بودن این اصل با ویژگی آزادی بشر و عاملیت او در شکل‌دهی به عرصه شهروندی، دال بر آزادی دانش‌آموز و خوداتکایی او به انگیزشهای درونی است. با توجه به این اصل، مربی لازم است در برانگیختن متربی از خود- انگیخته‌های درونی دانش‌آموز بهره گیرد و در صورت عدم تحقق پذیری اهداف آموزشی از برانگیخته‌های بیرونی همچون پاداش و تنبیه برای انجام یا عدم انجام کاری پرهیز نماید. نکته مهم و قابل‌توجه این است که تأکید بیش‌ازحد بر خود- انگیختگی زمینه را برای خود- محوری و ایجاد رفتارهای خودسرانه در دانش‌آموز فراهم می‌سازد به گونه‌ای‌که دانش‌آموز نه‌تنها خود را از نظرات، افکار و ایده‌های دیگران بی‌نیاز می‌پندارد، بلکه چنین فرد خودسری حتی خود را بی‌نیاز از تأملات و تعقلات خود نیز می‌داند.

۲. انکشاف: از دیگر اصول در تربیت شهروندی آرنتی انکشاف است. این اصل ناظر بر ویژگی نمودبخشی شهروند به هویت خویش است؛ بدین معناکه شهروند در عرصه عمومی خود را از طریق سخن گفتن و کنش به نمود درمی‌آورد. چنین عملی به نوعی انکشاف کیستی فرد می انجامد که در آن شهروند هویت خود را به‌صورت گفتارهای معنادار و کردارهای عاری از خشونت در مقابل دیگر همگنان خود عیان می‌دارد (آرنت،۱۹۹۸). در فرآیند تربیت شهروندی باید دانش آموزان

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

بتوانند خویشتن خود یعنی افکار، عقاید و نظریاتش را درباره مسائل گوناگون بیان بدارند. در این زمینه، مربی وظیفه دارد تا با ایجاد فضایی سالم و سرشار از همدلی و هماهنگی زمینه را برای بروز عقاید و افکار متربیان خود فراهم سازد تا اینکه دانش آموزان بتوانند خود را بیان کنند و از این طریق هویت خود را بازشناسند. رعایت این اصل ضمن اینکه موجب خود ابرازی فرد می‌شود و از این طریق دیگران را در افکار، عقاید و اعمال خود سهیم می‌دارد، سبب می‌شود که دانش‌آموز خود را بهتر بشناسد و از طریق انکشاف هویت خود در مقابل دیگر دانش آموزان متوجه زوایای ناشناخته هویت خویش گردد. لازمه تحقق بخشیدن به استلزامات این اصل رعایت مواردی چون پرهیز از خشونت و گفتارهای غیرعاقلانه و بی‌معناست به‌گونه‌ای که در صورت عدم رعایت چنین مواردی ممکن است دانش آموزان برای ابراز وجود خود از شیوه‌هایی نامناسب چون اعمال خشونت‌آمیز و رفتارهای عاری از معنا و غیرقابل فهم به‌منظور جلب‌توجه دیگران استفاده نمایند.

۳. بسط اندیشه: بسط اندیشه، اصل معطوف به ویژگی عقل ورزی در شهروند آرنتی است که ریشه در یکی از مبانی مهم تفکر فلسفی او درباره اخلاق شهروندی دارد (آرنت،۱۳۷۹). آرنت با ابتنای اخلاق بر تفکر معناگرا و متمایز ساختن آن از ادراک شناخت- محور به‌نوعی فضیلت شهروندی اشاره می‌کند و آن را یکی از ارکان لازم و مقوم ساحت شهروندی می‌داند (آرنت،۲۰۰۳). با توجه به این اصل، لازم است عقل ورزی، روحیه و تفکر انتقادی، قوه قضاوت صحیح در دانش آموزان و همچنین مجهز ساختن آنها با مهارتهایی چون تفکر واگرا و جانبی پرورش داده شود و علاوه بر این، به‌موازات پرورش هوش شناختی[1]، هوش هیجانی[2] دانش آموزان مورد توجه قرار بگیرد. چالش مهمی که در این زمینه ممکن است بسط اندیشه را از هدف خود منحرف سازد و مانع نیل به اهدافش گردد، استیلای پیش‌فرض نادرستی است که در آن تعقل و تفکر با شناخت و فهم هم‌معنا پنداشته می‌شود. درحالی‌که اندیشه ورزی معطوف به معنا بوده و با فهم معطوف به شناخت متفاوت است. حال در صورت عدم شناسایی چنین تفاوتی میان اندیشه و فهم و نیز تمایز میان معنا و شناخت نزد متصدیان امر تربیت شهروندی این امکان وجود خواهد داشت که در برنامه‌های تربیت شهروندی تقویت و تشویق اندیشه‌ورزی جای خود را به تقویت قوای ذهنی و کسب دانش دهد، به طوری که معناکاوی مدنظر اصل بسط اندیشه به شناخت گرایی و کسب دانش صرف فروکاسته شود.

1. IQ
2. EQ

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

۴. ناهمسانی: ناهمسانی همچون یکی دیگر از اصولی که باید موردتوجه واقع شود، ناظر به ویژگی تکثر و تفاوت افراد بشری از یکدیگر است که آرنت در مبانی فلسفی خویش تکثر بشری را ناظر به وضع زادگی او و نیز ناظر بر فردیت انسان در برابر نوع بشر می‌داند (آرنت،۱۹۹۸). لازم به ذکر است که اگرچه تکثر بشری را کانت[1] و فیخته[2] همچون سردمداران جنبشهای روشنگری و رمانتیسم، پیش از آرنت مطرح کرده اند، اما به نظر آرنت این دو به‌نوعی فرد را قربانی کل‌گرایی خویش نموده‌اند. او ریشه چنین کلیت گرایی را به نظریه دوپارگی دکارت نسبت داده است که در آن به‌زعم او برخورداری از عقل کل بشریت را به یک پیوند می‌دهد. آرنت دیدگاه دکارت را اشتباه برشمرده و معتقد است او انسان را به‌مثابه گروهی از موجودات در نظر گرفته است نه وجودهای خاص و متکثر، به‌نحوی‌که چنین تعریفی از انسان در پرتو مبانی عقل‌گرایی و درون‌نگری دو جریان روشنگری و رومانتیسم به‌نوعی خود آیینی انسان منجر شده است، بدین معنا فرد را در موقعیت انزوا قرار داده و او را از مشارکت عمل ورزانه در حالت تکثر انسانی بازداشته است (صدریا،۱۳۹۱). ناهمسانی ناظر بر ویژگی تکثر، تربیت شهروندی را ملزم به رعایت تفاوتهای دانش‌آموزان می‌نماید. با توجه به این اصل باید تفاوتهای دانش آموزان در هر دو سطح فردی و جمعی پذیرفته و اجازه داده شود که دانش آموزان چنین تفاوتهایی را بروز دهند. همچنین زمینه‌ای فراهم شود تا سلایق و علایق گوناگون دانش آموزان به چشم تهدید نگریسته نشود، بلکه همچون فرصتی جهت شکوفایی بیشتر عرصه یادگیری شهروندی موردتوجه قرارگیرد و از آن جهت پویایی و تنوع‌بخشی به تجربیات یادگیری شهروندی دانش آموزان استفاده شود. رعایت این اصل اگرچه امری لازم و مهم در تربیت شهروندی است ولی باید توجه داشت که چنین امری به شکلی نباشد که به انکار ارزشهای مطلق و کلی انسانی و اخلاقی بینجامد. در غیر این‌صورت کثرت گرایی صرف و توجه به ناهمسانیها کارکرد روشی و وسیله ای خود را از دست می‌دهد و به صورت هدفی در می‌آید که در آن هر گونه توافق و تسامحی میان انسانها در زمینه ارزشها و رویکردهایشان نفی و زمینه ای فراهم می‌شود تا ارزشها به صورت اموری نسبی جلوه‌گر شوند. از این رو برای رفع این چالش که پیش روی اصل ناهمسانی قرار گرفته لازم است دست اندرکاران تربیت شهروندی ضمن اینکه دانش آموزان را به رعایت تفاوتها و احترام به ناهمسانیها تشویق می‌کنند، بر ارزشهای

1. Kant
2. Fichte

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

انسانی و اخلاقی مشترک میان انسانها نیز تاکید ورزند تا ضمن توجه به ناهمسانیها، وحدت میان شهروندان بهتر محقق شود.

۵. تصدیق و دگرپذیری: اصل تصدیق و دگرپذیری در تربیت شهروندی آرنتی ناظر بر ویژگی فضیلت – محوری این نوع از شهروندی است. در شهروندی آرنتی انسانها محق به داشتن حقوقی مانند آزادی بیان، کردار، مشارکت و داشتن مسئولیت هستند و درعین‌حال مکلف و موظف به تصدیق چنین حقوقی برای دیگران نیز هستند (آرنت،۱۹۹۸)؛ بدین معنا شهروند باید حقوقی را که خود به‌عنوان شهروند داراست برای دیگر شهروندان نیز به رسمیت بشناسد و به تصدیق آن برای دیگران بپردازد. علاوه بر این، تصدیق به معنای به رسمیت شناختن دیگری در برابر خویشتن است، زیرا باوجود دیگران است که شهروندی برای فرد معنا پیدا می‌کند. این اصل ضمن اینکه ناظر بر ویژگی انسان- محوری شهروندی آرنتی و تکریم اوست، زمینه را برای تساهل مهیا می‌کند. بدین‌صورت که در آن شهروندان از طریق دگرپذیری بودن نواقص برگرفته از پیش‌بینی‌ناپذیری عمل دیگر شهروندان آنها را می‌بخشند و با حاکم ساختن دوستی مدنی میان یکدیگر ضمن فراهم کردن زمینه برای رفع اختلافات، عرصه شهروندی را نیز پابرجا نگه می‌دارند. لازم است با توجه به این اصل زمینه‌ای فراهم شود تا در آن نگرش دگرپذیری دانش آموزان تقویت و خود – مرکز بینی[1] آنها تضعیف شود. همچنین دانش‌آموزان علی‌رغم اختلافهای گوناگون فکری و فرهنگی، برپایهٔ نگرشی که درباره انسان و بزرگداشت او دارند به توافق و تسامح با دیگران متمایل شوند. در این زمینه باید یادآوری کرد که تصدیق و دگرپذیری حد وسط خود-مرکز بینی و دیگر-مرکز بینی است، لذا بایستی این اصل را به نحوی به کار برد که از طریق آن ضمن اینکه خود- مرکز بینی در دانش آموز تضعیف می‌شود، مانع از دیگر- مرکز بینی در وی نیز شود. در غیر این صورت دانش-آموز از خود بیگانه می‌شود و هویت و کیستی خود را نیز فراموش می‌کند، به گونه‌ای که نه تنها برای خود و افکارش احترامی قائل نخواهد بود، بلکه هویت خویش را در وجود دیگران خواهد یافت.

۶. تمرکززدایی: این اصل ناظر به قدرت و ویژگیهایی چون تقسیم‌شدگی، قلمرو زدایی و سیالیت برای آن است، زیرا بدون چنین قابلیتهایی اولاً قدرت تهی از مفهوم خود و واجد صفاتی همچون خشونت، توان و نیرو و مرجعیت می‌شود و چنین تبدلی ضمن اینکه قدرت را از بین می-برد، به بروز خشونت و محو سیاست و شهروندی می‌انجامد (آرنت،۱۳۷۰)، ثانیاً در رویکرد آرنتی

1.Egocentrism

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

قدرت امری امکانی و فاقد شکل است. بدین معنا که اگر قدرت در دست یک نفر جمع شود خاصیت خود را از دست می‌دهد زیرا قدرت تنها در بستر روابط بین الاذهانی، برابر و آزاد در حوزه شهروندی به وجود می‌آید (کمپل[1]،۲۰۱۱). اگر چنین شرایطی مهیا نباشد قدرت از بین می‌رود. ازاین‌رو تقسیم قدرت مبتنی بر مکانیسم تمرکززدایی زمینه‌ای را برای ادامه حیات قدرت در عرصه شهروندی فراهم می‌کند (آرنت،۱۹۷۰)؛ بنابراین می‌توان گفت تمرکززدایی درزمینهٔ تربیت شهروندی زمینه‌ای را فراهم می آورد تا توزیع مجدد و دائمی قدرت مانع از انباشت آن در دست یک نفر یا یک گفتمان و فرهنگ شود و دانش آموزان از حواشی برون آیند و به‌نوعی با بنای ساختاری چندمرکزی و در حال شدن بتوانند استعدادهای خود را شکوفا کنند و مانع انباشت نیرو و تبدیل آن به خشونت در مدارس و کلاس درس شوند. اگرچه اجرای این اصل در حوزه‌های گوناگون تربیت شهروندی به ویژه مدیریت و برنامه‌ریزی مزایای بسیاری برای بهبود کارکرد تربیت شهروندی و مشارکت دادن افراد گوناگون در این برنامه دارد، اما باید اذعان کرد که تمرکز صرف بر امر تمرکززدایی می‌تواند موجب ناهماهنگی، هدر رفتن نیرو و زمان شود. علاوه بر این در سطح کلاس درس نیز تمرکززدایی صرف به کم‌رنگ شدن و حذف سندیت معلم می‌انجامد؛ ازاین‌رو لازم است تمرکززدایی در امور مدیریتی و برنامه‌ریزی درسی به صورتی اجرا شود که موجب ناهماهنگی در تصمیمات تربیتی و نیز حذف سندیت معلم نشود.

۷.تعامل پایدار: تعامل پایدار، یکی دیگر از اصول است که ناظر بر دیالوگ- محوری شهروندی آرنتی است. یعنی دیالوگ و گفت‌وگو یکی از شروط لازم در عرصه شهروندی است و وجود آن مستلزم وجود تعاملات پایدار است. در تعامل، افراد قادر خواهند بود که افکار و عقاید خود را عرضه کنند و دیگران را در آن سهیم سازند، در ضمن بتوانند از تجربیات دیگران بهره بگیرند. وجود چنین امری نیازمند داشتن ویژگی پایداری و تداوم است و هرگونه عدم تداومی ضمن اینکه به معنای خاتمه تعاملات است به حذف عرصه شهروندی نیز منتهی می شود؛ لذا برای جلوگیری از چنین رویدادهایی در شهروندی، لازم است تعاملات بین‌الاذهانی پایدار بماند و لازمه آن بهره‌گیری از مکانیسم فضایل شهروندی همچون قول، دوستی و بخشش است که در آن شهروندان ضمن اینکه به انجام تعاملات خویش می‌پردازند، ادامه روند آن را از طریق دوستی، رأفت، مهربانی، قول و بخشش تضمین می‌کنند (آرنت،۱۹۹۸). با توجه به این اصل لازم است متصدیان امر تربیت شهروندی فضای سالمی را برای کنش میان- فردی دانش آموزان فراهم کنند و آنان را با فضیلتهایی

1. Kemple

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

چون بخشش، دوستی و قول آشنا سازند و زمینه را برای کاربست آنها در زندگی عملی‌شان فراهم کنند. از این گذشته لازم است برای تداوم تعامل و گفتگو میان عناصر درگیر در تربیت شهروندی، ضمن تأکید بر فضایل اخلاقی شهروندی، زمینه‌های تداوم چنین گفتگو و تعاملی را فراهم کنند. در ضمن مربیان باید جهت تداوم و بهبود زمینه‌های زبانی و غیرزبانی گفتار و تعامل در معنای باختینی[1] آن (تودوروف[2]،۱۳۹۱) بکوشند؛ زیرا اگر افق، فهم و ارزیابی مشترکی میان دانش آموزان و معلمان همچون زمینه‌های گفتار وجود نداشته باشد و در این زمینه تلاشی نیز برای ایجاد چنین زمینه‌هایی صورت نگرفته باشد ایجاد تعامل پایدار در جریان تربیت شهروندی با مشکل روبه‌رو خواهد شد. لذا برای برون‌رفت از این مشکل و اجرای موفقیت‌آمیز اصل مذکور لازم است زمینه‌های چنین تداوم و تعاملی در جریان تربیت شهروندی مهیا شود.

۸. **فرآیند مداری:** فرآیند مداری، اصل دیگری است که مبتنی بر مبنای سرشت فرآیند گونهٔ عمل است. بر اساس این ویژگی می‌توان گفت که عمل سیاسی را نباید همچون وسیله و ابزار برای رسیدن به اهداف دیگر استفاده نمود. آرنت معتقد است که ابزاری کردن عمل و فرود آوردن سیاست تا سطح وسیله‌ای برای چیزی دیگر – اگرچه در این امر توفیق حاصل نشده – سبب نابود شدن حوزه فعالیت انسانها می‌شود؛ بدین معنا که عمل برخلاف ساختن و کار که دارای آغاز و انجام مشخصی بوده و نتیجه و سود و زیان آن مدنظر است، در پی نتایج و سود و زیان نیست؛ چون در عمل سیاسی شهروندان در پی نتایج از پیش تعیین شده نیستند و هدف از عمل سیاسی را دستیابی به سود و منفعت شخصی نمی‌دانند (آرنت،۱۹۹۸). آرنت خاطرنشان می‌کند که هرگاه مسئله سود و زیان مادی برآمده از امر اجتماعی وارد حوزه عمومی شود، سبب نابودی این حوزه می‌شود. امری که در انقلاب فرانسه روی داد و در آن شهروندان به‌جای خود عمل سیاسی متوجه اقتضائات و حوایج اجتماعی و در نتیجه انحراف عمل سیاسی از معنای اصیل خود شدند (آرنت،۱۳۸۱). با توجه به این اصل می‌توان گفت در تربیت شهروندی لازم است به‌جای فرآورده‌ها، فرآیندها را در اولویت قرار داد و در ضمن باید مربی سعی کند تا درزمینهٔ تدریس و یادگیری دانش آموزان بیشتر بر چگونگی و فرآیند یادگیری آن هم در سه حوزه شناختی، نگرشی و مهارتی تأکید و تمرکز کند. همچنین با فراهم ساختن موقعیت یادگیری فرآیند- مدار زمینه را برای یادگیریهای معنادار و فعال در مقابل یادگیریهای طوطی‌وار و شرطی شده فراهم نماید. نکته مهمی

1. Bakhtin
2 .Todorov

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

که در این زمینه بایستی مورد توجه واقع شود این است که تأکید بیش‌ازحد بر فرآیند یادگیری، مشکلات و چالشهای بسیار را متوجه تربیت شهروندی خواهد نمود، به طوری که اگر نتوان میان فرآیند و فرآورده ارتباطی متعادل برقرار کرد، این امکان وجود دارد که مفهوم تربیت شهروندی به مهارت‌آموزی صرف تقلیل یابد و وجوه شناختی آن فراموش شود. علاوه بر این، ممکن است دانش‌آموزان به دلیل عادت بیش‌ازحد به مهارت‌آموزی و نیز درگیر شدن در فرآیند یادگیری به‌جای توجه به موضوعات و فرآورده‌های آن به افرادی کم آگاه و غیرمسئول تبدیل شوند.

جدول شماره ۱. مبانی و اصول تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنت

ردیف	مبانی شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنت	اصول تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنت
۱	آزادی	خودانگیختگی
۲	نمود	انکشاف
۳	عقلانیت	بسط اندیشه
۴	تکثر	ناهمسانی
۵	فضیلت مندی	تصدیق و دگرپذیری
۶	قدرت	تمرکززدایی
۷	گفتگو	تعامل پایدار
۸	فرآیند گونگی	فرآیندمداری

نتیجه‌گیری

مباحث مطرح‌شده در این پژوهش ما را به نتایجی در ابعاد نظری و عملی تربیت شهروندی رهنمون می‌سازد به گونه‌ای که در بعد نظری می‌توان اذعان نمود که تربیت شهروندی و مفهوم‌پردازی آن در پرتو فلسفه هانا آرنت از یک‌سو، مبتنی بر مبانی نظری بوده که در آن اولاً، امر شهروندی واجد معنای اصیل خود شده و هویت واقعی‌اش را در بستر عمومی بازیافته است، ثانیاً، هم پیوندی دغدغه‌های وجودی بشر با شهروندی و عمل ورزی شهروندان در فضای عمومی ضمن اینکه این ساحت را هر چه بیشتر انسانی و انضمامی نموده، تقابلات فرد و جمع را نیز به حداقل رسانیده است و ثالثاً، همپوش واقع‌شدن عناصر حق–وظیفه – اخلاق و منوط شدن قوام و دوام آنها به یکدیگر زمینه را برای مبرا شدن از کاستیهای موجود در دیگر رویکردهای شهروندی مهیا نموده است. در بعد عملی و در جریان تربیت نیز می‌توان گفت که رسالت تربیت شهروندی در چارچوب تمهیدات آموزشی و پرورشی به‌منظور وارد ساختن دانش آموزان به جهان نمود عملی شده به طوری که در این چشم‌انداز ضمن مراقبت و محافظت از متربیان، دانش، نگرش و مهارتهای آنها در زمینهٔ استانداردهای شهروندی موردنظر پرورش داده‌شده است تا دانش آموزان آماده عمل ورزی در

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

عرصه عمومی جامعه خود گردند. برای دستیابی به چنین رسالتی است که در پرتو مبانی شهروندی آرنتی همچون ویژگیهای مقوم این نگره شهروندی، اصولی برای جهت‌دهی عرصه‌های عملی تربیت شهروندی استنتاج شده تا بتوان با عملی ساختن استلزامات هرکدام از این اصلها ایدهٔ شهروندی آرنتی را تحقق بخشید. در این راستا است که اصول تربیت شهروندی متضمن بایدونبایدهایی بوده که لازم است موردتوجه واقع شود. به طوری که در چارچوب تربیت شهروندی آرنتی نه‌تنها نمی‌توان از مواردی چون تک‌گویی و تک‌نوازی، تلقین عقاید به دانش-آموزان، روابط انسانی مبتنی بر خشونت و اقتدار صوری، مدیریت متمرکز و انعطاف‌ناپذیر، سرکوب عقاید و فرهنگهای متفاوت و انقیاد فکری سخن گفت، بلکه باید زمینه را جهت رشد و شکوفایی قابلیتهای دانش‌آموزان، روابط انسانی مبتنی بر احترام و دیگرپذیری، ابراز وجود، مدیریت انعطاف‌پذیر و نامتمرکز، دیالوگ، چندصدایی، اندیشه ورزی، مشارکت ورزی و آزادی مهیا کرد تا بتوان به آرمان شهروندی آرنتی تحقق بخشید.

با توجه به چنین نتایجی لازم است تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنت را همچون یکی از نگره‌های مهم در امر تربیت شهروندی در هر دو سطح نظری و عملی تربیت شهروندی موردتوجه قرارداد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود به‌منظور فهم و نقد این رویکرد بررسیهای مقایسه‌ای و انتقادی گوناگونی در سطح نظری صورت گیرد تا مبانی شهروندی و دلالتهای تربیتی رویکردهای گوناگون در این زمینه با رویکرد حاضر موردبررسی قرار گیرد. همچنین در عرصه‌های عملی تربیت شهروندی لازم است که برنامه ریزان درسی در تهیه برنامه‌های درسی خود، مدیران آموزشی در اداره سازمانهای آموزشی و معلمان در تدریس و ادارهٔ کلاس درس بتوانند با وارد ساختن ویژگیهای برگرفته از اصول تربیت شهروندی آرنتی به پیشبرد امر تربیت شهروندان یاری رسانند و به احیای این جنبه از تعلیم و تربیت و پویاسازی آن بپردازند. علاوه بر پیشنهاداتی که اشاره شد، می‌توان سازوکارهایی را نیز برای بهبود جریان تربیت شهروندی در ایران پیشنهاد نمود:

۱. تمرکززدایی اقتضایی در حوزه‌های خرد و کلان مدیریت آموزش شهروندی به‌منظور ممانعت از پدیدار شدن سیاستها و تصمیمات خشنی که به صورت مونولوگی و بدون توجه به علایق، سلایق و اقتضائات زندگی (دانش آموزان، والدین و جامعه) اعمال می‌شود.

۲. تحول در جهت‌گیری و محتوای برنامه درسی مدارس به صورتی که دربردارندهٔ زیرساختها و مؤلفه‌هایی باشد که در آن دانش، عواطف و مهارتهای دانش آموزان طوری پرورش یابد تا متضمن

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

اموری چون آزادی، حفظ کرامت انسانی دانش آموزان، تقویت تفکر و اندیشه، مشارکت ورزی، رعایت حقوق دیگران و انجام وظایف شهروندی باشد.

۳. کاربرد الگوها و روشهای یادگیری –یاددهی که زمینه را برای فعالیت دانش‌آموز و مشارکت وی در حل مسائل مهیا شود به صورتی که مانع انفعال دانش‌آموز و عدم مشارکت وی در حل مسائل و نیز در جریان تربیت شود.

۴. اصلاح الگوی روابط انسانی در مدارس و کلاس درس مبتنی بر الزامات اخلاقی شهروندی و فضایلی چون تساهل، تسامح، رواداری، پرهیز از خشونت و حفظ کرامت انسانی دانش آموزان و معلمان به‌منظور حذف تنبیه، تحقیر و انقیاد دانش آموزان.

۵. لزوم توجه به تربیت معلمان به‌منظور پرورش دانش، نگرش و مهارتهای لازم در زمینهٔ آموزش شهروندی در آنها برای تسهیل در دستیابی به آرمانها و اهداف تربیت شهروندان.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

منابع

آرنت، هانا. (۱۳۷۰). *قدرت مبتنی بر ارتباط. در قدرت فر انسانی یا شر شیطانی*، ویراسته استیون لوکس، (ترجمه فرهنگ رجائی). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ـــــــــ (۱۳۷۹). *اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی، (ترجمه عباس باقری)*. چاپ اول. تهران: نشر نی.

ـــــــــ (۱۳۸۱). *انقلاب*، (ترجمه عزت‌الله فولادوند). چاپ سوم. تهران: انتشارات خوارزمی.

ارسطو (۱۳۸۹). *اخلاق نیکوماخوس*، (ترجمه محمدحسن لطفی). چاپ سوم. تهران: طرح نو.

ـــــــــ (۱۳۹۰). *سیاست*، (ترجمه حمید عنایت). چاپ هفتم. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

باقری، خسرو. (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. جلد اول*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

باقری، خسرو و دیگران (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بشیریه، حسین. (۱۳۸۶). *عقل در سیاست*. چاپ ششم. تهران: نشر معاصر.

ـــــــــ (۱۳۸۸). *لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. تهران: نشر نی.

پدرام، مسعود. (۱۳۸۸). *سپهر عمومی روایتی دیگر از سیاست: نظریات آرنت و هابرماس*. تهران: موسسه مطالعات بنیادین.

تودوروف، تزوتان. (۱۳۹۱). *منطق گفتگویی میخائیل باختین*، (ترجمه داریوش کریمی). تهران: نشر مرکز.

جانسون، پاتریشیا آلتنبرند. (۱۳۹۳). *فلسفه هانا آرنت*، (ترجمه خشایار دیهیمی). چاپ دوم. تهران: طرح نو.

دیوس، یان. (۱۳۹۱). *بسط و گسترش آموزش شهروندی. در آموزش شهروندی در نظر و عمل*، (ترجمه شهروز ابراهیمی). تهران: انتشارات آمه و سبزان.

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۱). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. مشهد: شرکت به نشر.

صدریا، مجتبی. (۱۳۹۱). *نقدی مدرن بر مدرنیته*، (ترجمه خورشید نجفی). تهران: انتشارات نیلوفر.

لوبون، گوستاو. (۱۳۹۱). *روانشناسی توده‌ها*، (ترجمه کیومرث خواجوی ها). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

محمدی مجد، داریوش. (۱۳۸۷). *احساس تنهایی و توتالیتاریسم*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

منوچهری، عباس. (۱۳۸۳). هایدگر و آزادی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲(۳۷)، ۱۴۹-۱۶۸.

Arendt, H. (1970). *On violence* .San Diego, New York, London: Harcourt Brace Jovanovich Publishers.

_____ (1998). *The human condition* (2nd ed.). USA: University of Chicago Press.

_____ (2000). *The origins of totalitarianism*. San Diego, New York & London: Harcourt Brace Jovanovich Publishers.

_____ (2003). *Responsibility and judgment*. New York: Schocken Books.

Benhabib, S. (2003). The reluctant modernism of Hannah Arendt. In M. Schoolman (Ed.), *Modernity and political thought* (pp.172-220). Lanham, Maryland: Rowman & Littlefield Publishers.

Betz Hull, M. (2002).*The hidden philosophy of Hanna Arendt.* London & New York: Routledge Curzon, Taylor and Francis Group.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

d'Entrèves, M. (1994).*The political philosophy of Hannah Arendt.* London & New York: Routledge Curzon, Taylor & Francis Group.

Flak, C.L. (2000). *Holistic education: Principles, perspectives and practice.* Brandon, VT: Holistic Education Press.

Garcia, E. G. (2011).*On the concept and models of citizenship*. Spain: University of Granda.

Janover, M. (2011). Politics and worldliness in the thought of Hannah Arendt. In A. Yeatman, P. Hansen, M. Zolkos & C. Barbour (Eds.), *Action and appearance: Ethics and the politics of writing in Hannah Arendt* (pp. 25–38). London: Continuum.

Kempel, T. M. (2011). The saving power of social action: Arendt between Weber and Foucault. In A. Yeatman, P. Hansen, M. Zolkos & C. Barbour (Eds.), *Action and appearance: Ethics and the politics of writing in Hannah Arendt* (pp. 87-102). Yew York: Continuum.

Lessnoff, M. H. (1999). *Political philosophers of the twentieth century.* Malden: Blackwell Publishers.

Magrini, J. (2012). An ontological notion of learning inspired by philosophy of Hannah Arendt. *Philosophy Scholarship*, paper 34, http://dc.cod.edu/philosophypub/34.

McGowan, J. (1998). *Hannah Arendt: An introduction.* Minneapolis, MN, USA: University of Minnesota Press.

Pepper, K., Burroughs, S., & Groce, E. (2003). Teaching civic education in a democratic society: A comparison of civic education in Hungary and the United States. *Educational Foundations,7*(2), 29-51.

Swift, S. (2009). *Hannah Arendt.* London and New York: Routledge Curzon, Taylor & Francis Group.

Tchir, T. (2011). Daimon appearances and the Heideggerian influence in Arendt's account of political action. In A.Yeatman, P. Hansen, M. Zolkos & C. Barbour (Eds.), *Action and appearance: Ethics and the politics of writing in Hannah Arendt* (pp.53-68). Yew York: Continuum.

Topolski, A. & Leuven, K. U. (2008).Creating citizen in the classroom: Hanna Arendt's political critique of education. *Journal of the European Ethic Network, 15*(2), 259-282.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1394.31.4.1.6]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]